

## پرسترویکا یا احیای سوسیالیسم

میخائیل گورباچف مبتکر دکتترین پرسترویکا در ۱۹۳۱ در دهکده‌ای واقع در ایالت استاوروپولدر شمال قفقاز متولد شد. در سن ۱۹ سالگی پس از گذراندن تحصیلات عمومی و یک سال کار در سمت مکانیک تراکتور برای تحصیل حقوق به دانشگاه لومونوسف مسکو عزیمت نمود. در دوران تحصیل در دانشگاه به سازمان جوانان حزب (کومسومول) پیوست و ضمن تحصیل، دوره تعلیمات نظامی را نیز گذراند در سال ۱۹۵۵ زمانی که تحصیلاتش را به پایان رسانید به درجه ستوان دومی ارتش نیز نایل آمد. در ۱۹۵۶ به سمت دبیر اولی کومسومول ایالت استاوروپول و در آوریل ۱۹۷۰ به عضویت کمیته مرکزی و در مارس ۱۹۸۵ در اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی به عنوان دبیرکل و رئیس حزب انتخاب گردید.

مبارزه‌ای که او و سایر مسئولان حزبی همفکرش سالها شروع کرده بودند باعث نزدیکتر شدن آنها به‌هکدیگر گردید. در نیمه دوم دهه هفتاد ... نیروی محرکه و پویایی در کشور، دائم کاهش می‌یافت، عدم توفیق های اقتصادی مدام افزوده می‌شد ... نوعی مکانیزم ترمز کننده تکامل اقتصادی و اجتماعی را فلج کرده بود ... این وضع را که تحلیل کردیم نخست رشد منفی اقتصادی را کشف نمودیم. در یازده سال اخیر نرخ رشد در آمد ملی، به کمتر از نصف تقلیل یافته بود ... کشوری که زمانی سریع در ملل متری جهان خود را رسانیده بود، اینک در مقابله با دیگران موقع خود را از دست می‌داد ... متاسفانه به همین ختم نشد. آهسته آهسته ارزش های ایدئولوژی و اخلاقی ملت ما خدشه دار شد ... به افکار عمومی بی توجهی شد ... در جوامع دانش پژوهان ... تفکر های خلاقه کنار گذاشته شد ... الکلیسم و مصرف مواد مخدر و اعمال جنایتکارانه افزایش یافت ... تفاوت بین بیان و عمل در افکار عمومی، نفی و تردید در مواجهه با شعارها را موجب شد ... جوی ایجاد شد که در آن همه خلاف ها بخشوده می‌شد و به رعایت نظم و قبول مسئولیت بی اعتنائی می‌گردید ... در سطح اداری یک سلسله قانون شکنی بروز کرد ... رهبران حزب دهانه را شل دادند و در پاره‌ای از فراگردهای اجتماعی به کلی ابتکار عمل از آنان سلب شده بود. لحظه‌ای فرا رسید که این وضع، قدرت عملکرد دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی و تمامی تشکیلات حزبی و همچنین دولت را تضعیف کرد ... مکانیزم ترمز در واقع همچنان پا بر جا می‌ماند.<sup>۱</sup> به دنبال بررسی و تحلیل بروز این فساد حزب کمونیسم، اتحاد شوروی را به این نتیجه ممکن کشاند که کشور در بحرانی گرفتار آمده است. این نتیجه در اجلاسیه آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی توسط گورباچف اعلام شد و کمیته مرکزی هم این جرات را یافت تا درک کند که تحولی بنیانی و تغییری اساسی اجتناب ناپذیر است. در این اجلاسیه استراتژی تازه پرسترویکا مشخص و اصول اساسی آن تدوین شد. پرسترویکا

*perestroika* ترکیبی است روسی متشکل از پیشوند *pere* (تجدید) و کلمه *stroika* (تنسيق) که به همین ترتیب در همه جا به عنوان اصطلاحی بین المللی پذیرفته شده است. این لغت را معمولا در انگلیسی *Reconstruction* به معنی بازسازی ترجمه کرده اند و با شرحی که از محتوی این دکتورین داده خواهد شد به وضوح معلوم خواهد گشت که چیزی جز احیاء سوسیالیسم نخواهد بود.

میخائیل گورباچف به دنبال خواهش یک ناشر آمریکایی مبنی بر تمایل وی به آگاهی از پرسترویکا کتابی تحت این عنوان نوشت و در سال ۱۹۸۷ به چندین زبان ترجمه و در روسیه و غرب به چاپ رسید. ترجمه این کتاب به فارسی هم در زمستان ۶۶ منتشر گردید. این کتاب بیانگر نظرات رهبر شوروی در مسائل سیاست داخلی و خارجی روسیه و مسایل جهانی به ویژه ارتباط دو ابر قدرت، دو بلوک شرق و غرب با جهان سوم است. در این میان، تنها به مبحث پرسترویکا و برداشت ما از این دکتورین اشاره می شود.

گورباچف در کتاب خود با کرات به لنین و آثار و تعالیم او اشاره و آن را به عنوان تنها منبع ایدئولوژی پرسترویکا معرفی می نماید.<sup>۲</sup> او به جمله لنین که می گوید: "سوسیالیسم نیروی خلاقه توده است" استناد کرده می نویسد: انسان ها با تمامی تفاوت های خلاقه خود تاریخ را ساخته اند و نخستین وظیفه تحول این است که انسان هایی را بیدار سازیم که به خواب رفته اند، آنان را فعال سازیم، علاقمند کنیم و به جایی بکشانیم که هر فرد احساس کند که در خانه اش ... در موسسه اش آقااست ... ما به این نتیجه مهم رسیده ایم اگر عامل انسانی را فعال سازیم یعنی اگر علایق و همبستگی های کارگری، علایق در ارگان های عمومی و گروه های اجتماعی متعدد را مورد توجه قرار ندهیم و اگر به انسان ها متکی نشویم و آنان را فعال نسازیم ... هرگز توفیق نخواهیم یافت که حتی یکی از وظایفی را که برای خود تعیین کرده ایم به انجام رسانیم چه رسد به این که اوضاع را در کشور تغییر دهیم.<sup>۳</sup> به بیان دیگر ما نیاز به روند دموکراسی همه گیر در تمامی سطوح جامعه داریم. "گورباچف هنگامی که در دکتورین خود به دموکراسی اشاره می کند هیچ گاه آن را بیگانه از لنینیسم تلقی نمی کند وی در این باره به گفته لنین استناد می کند: "هر اندازه وظیفه ای که بر عهده گرفته ایم وسیع تر باشد و هر اندازه تحولی که می خواهیم عملی سازیم عمیق تر باشد بیشتر باید در بیدار ساختن علایق و طرفدار ساختن آگاهانه دیگران کوشش کنیم باید مدام میلیون ها و فوق میلیون ها انسان را برای قبول آن متقاعد سازیم" و نتیجه می گیریم که می بایست تا می توان دموکراسی را فعال سازیم.<sup>۴</sup>

گورباچف در جای دیگر ضمن بر شمردن نشانه های بارز سوسیالیسم نظیر تعلیم و تربیت و خدمات پزشکی رایگان به خود بالیده می گوید: "لکن ما شاهد هستیم که انسان هایی غیر موجه کوشا

هستند تا از این امتیازات سوسیالیسم سوء استفاده کنند، اینان از درآمدهایی زندگی می‌کنند که حاصل کار آنان نیست. سیاست دگرگون سازی این مسایل را تصحیح خواهد کرد. ما بار دیگر اصل سوسیالیسم را به طور کامل معتبر خواهیم ساخت "هر کس منطبق با توانائی های خود، هر کس منطبق با کار خود."<sup>۵</sup> از پرسترویکا به عنوان مهم ترین و بنیانی ترین برنامه فرم اقتصادی از زمان اجرای سیاست اقتصادی نوین لنین در ۱۹۲۱ یاد می‌کند و محتوی آن را جابجایی نقطه ثقل از روش مدیریت اقتصادی ذکر می‌کند. او خواهان دموکراسی گسترده مدیریت اقتصادی و فعال کردن عامل انسانی در تمامی بخش ها است این رفورم بر اساس توسعه شدید استقلال موسسات و تعاونی ها و پذیرش اصول حسابرسی به طور وسیع و تامین مالی از منافع خودی اتکاء دارد.<sup>۶</sup>

به نظر گورباچف پرسترویکا به مفهوم تکامل عمقی اقتصاد شوروی در مجموع ... ترغیب برای نوسازی و روحیه مدیریت سوسیالیستی در کلیه سطوح ... رهایی جامعه از سلوک سوسیالیستی و عملی ساختن قاطعانه عدالت سوسیالیستی است.<sup>۷</sup> وی تاکید می‌کند که "رفورمی که ما آن را عملی می‌سازیم منطبق است با راه سوسیالیستی ما نه در برون سوسیالیسم ... توفیق هایمان را و همچنین اشتباه هایمان را بر اساس معیارهای سوسیالیسم ارزیابی می‌کنیم ... هر جزئی از برنامه پرسترویکای ما و طبیعتا برنامه ما در مجموع بر اساس اصل سوسیالیسم بیشتر و دموکراسی بیشتر متکی می‌باشد. سوسیالیسم بیشتر به معنی تحریک بیشتر شوق و خلاقیت، تلاش ها تشکیلات منظمتر، دانش بیشتر، رهبری اقتصادی رویه گرا، مدیریت مبتکر و کار آمد و همچنین زندگانی بهتر و غنی تر ملت است."<sup>۸</sup>

با اشاره مختصری که به دکترین پرسترویکا گردید به خوبی می‌توان فهمید که روند اصلاحات و بازسازی در اتحاد شوروی پس از به قدرت رسیدن گورباچف در جهت نیل به اهداف نهائی سوسیالیسم است. این که برخی معتقدند که شوروی ها به بن بست مرام خود اعتراف کرده اند، صحت ندارد و تقریبا در هر صفحه از کتاب پرسترویکا این نکته مسلم فرض شده است که هر تغییری و اصلاحی در قالب سوسیالیسم صورت می‌گیرد. مبداء و منتها، سوسیالیسم است، ساختار سوسیالیسم است و فقط روش ها ی نیل به آن بسته به ضرورت ها تغییر می‌کند. اساسا چنان که گذشت جامعه روسیه با یک بحران درگیر، و فساد در حال خشکاندن ریشه سوسیالیسم روسی بوده است. حزب حاکم برای نجات سوسیالیسم به فکر احیاء، افتاده شیوه دیگری اتخاذ می‌نماید تا شاید جلوی این مفاسد اجتماعی، رکود اقتصادی و بی تفاوتی جامعه روسی را بگیرد. گورباچف صریحا به این نکته اشاره می‌کند که لنین ... به بلشویکها آموخت هر زمانی که لازم شد، از رفورمیسم جانبداری کنند تا انقلاب (سوسیالیستی) را در شرایط متفاوت هم چنان به پیش رانند.<sup>۹</sup> اگر به موسسات اقتصادی استقلال داده می‌شود به خاطر این است که از علایق و همبستگی های مردم

استفاده کرده در آمد ملی را افزایش دهند در نتیجه قوام و دوام کشور سوسیالیستی افزون گردد. اگر به ملیت های گوناگون قلمرو شوروی اختیارات داخلی داده شود به خاطر این است که حسن اعتماد بنفس و مشارکت آنها در امر حکومتی را بیفزایند. اگر آزادی ایمان و عقیده مطرح می شود بخاطر جلب قلوب متدینین و مذهبیین است. اگر در روابط خود با غرب تجدید نظر می کند و مبتکر خلع صلاح می شود بخاطر این است که از تهدیدات خارجی بکاهد تا شاید در خلال این بتواند به اصلاح امور داخلی خود پردازد و سرمایه گذاری های عمده خود را صرف امور اقتصادی مولد و پژوهش های علمی و صنعتی و کشاورزی نماید. اتحاد شوروی با وجود پیشرفت های عظیم نظامی از این نکته نگران است که برای تهیه خوراک مردم و دام روسیه باید میلیون ها تن غلات خریداری کند. غلاتی که هر آن ممکن است مشمول تحریم اقتصادی غرب قرار گیرد و در نتیجه امر معاش این کشور را به خطر اندازد. بنابراین پرسترویکا حقیقتاً احیای سوسیالیسم به شیوه های گوناگون است و نمی توان آن را به عنوان طرحی برای گرایش مسکو به غرب تلقی کرد. گذشته از اهداف سوسیالیستی که شدیداً شوروی را در برابر مرام کاپیتالیستی غرب قرار می دهد امیال ناسیونالیستی روس ها به هیچ وجه به چنین گرایش و احتمالاً اتحادی تن در نخواهد داد. پایان

---

<sup>۱</sup> گورباچف میخائیل، دومین انقلاب روسیه پروسترویکا، ترجمه عبدالرحمن صدریه، شرکت سهامی خاص نشر آبی زمستان ۱۳۶۶ صفحات ۲۶-۱۹

<sup>۲</sup> مصدر قبل صفحه ۲۸

<sup>۳</sup> مصدر قبل صفحات ۴-۳۳

<sup>۴</sup> مصدر قبل صفحه ۳۹

<sup>۵</sup> مصدر قبل صفحه ۳۸

<sup>۶</sup> مصدر قبل صفحه ۴۰

<sup>۷</sup> مصدر قبل صفحه ۴۳

<sup>۸</sup> مصدر قبل صفحات ۵-۴۴

<sup>۹</sup> مصدر قبل صفحه ۶۶